

جدال میرمهنا با کریم خان و کمپانی‌های خارجی و سیاست دوگانه انگلیس در سرکوبی وی

محمدرضا نصیری، فرحناز کنانی*

استاد دانشگاه پیام‌نور، دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه پیام‌نور
تاریخ دریافت: (۹۴/۰۸/۱۷) تاریخ پذیرش: (۹۴/۱۱/۳۰)

Struggle between Karim Khan and foreign companies and England dual policy of repression

Mohammadreza Nasiri, Farahnaz Konani*

Professor in Payam Noor University, Ph.D Student in Payam Noor University

Received: (2015/11/08)

Accepted: (2016/02/19)

Abstract

After the death of Nadir Shah there was a great disturbance. Karim Khan was successful to dominate most areas after several years of tension over Iran. Mir Mohanna could be the ruler of Bandar Reeg by using the the status quo. Unlike the other rulers who were united with Karim Khan Zand, he revolted against Karim Khan. Zand troops attacked Bandar Reeg to suppres him and captured Mir Mohanna. After freedom and coming back to Bandar Reeg, Mir Mahna destroyed commercial office and England Castle and expel all English from Bandar Reeg. This event led forces to attack Bandar Reeg again. Karim Khan failure in repression of Mir Mahna caused him to sign a contract with England. According to this contract, Kharg Island was awarded to England if Mir Mahna failed. This study deals with issues of conflict between Karim Khan and Mir Mohanna. It also studies the conflicts between Mir Mohana and foreign companies and the role of foreign governments, particularly England, in repression of Mir Mahna.

Keywords: Mir Mohanna, Persian Gulf, the United Kingdom, Karim Khan Zand, Basrah.

چکیده

پس از مرگ نادرشاه افشار اغتشاشات زیادی در ایران برپا شد. کریم‌خان‌زند، پس از چند سال کشمکش موفق شد بر اکثر نواحی ایران تسلط یابد. میرمهنا با استفاده از وضعیت موجود توانست حکمران بلامنازع بندرریگ گردد. وی برخلاف سایر رؤسا که با کریم‌خان‌زند متحد بودند، علیه کریم‌خان علم طغیان برداشت. سپاهیان زند برای سرکوبی او بندرریگ را مورد حمله قرار داده و میرمهنا را به اسارت خود درآوردند. میرمهنا به محض آزادی و بازگشت به بندرریگ نسبت به تخریب دفتر تجاری و قلعه انگلیسی‌ها اقدام و انگلیسی‌ها را از بندرریگ اخراج کرد. این رویداد موجب شد بندر ریگ مجدداً مورد حمله قوای خان زند قرار گیرد. ناتوانی کریم خان در سرکوبی میرمهنا، منجر به عقد قرارداد با انگلیس گردید. براساس این قرارداد، در صورت شکست میرمهنا، جزیره خارگ به انگلیسی‌ها واگذار می‌شد. این پژوهش به بررسی مسائلی که موجب چالش میان کریم‌خان‌زند و میرمهنا، همچنین کشمکش میان میرمهنا و کمپانی‌های خارجی گردید و نقش دول خارجی، به ویژه انگلیس، در سرکوبی میرمهنا می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: میرمهنا، خلیج‌فارس، انگلیس، کریم‌خان‌زند، بصره.

مقدمه

پس از مرگ نادرشاه اوضاع ایران باردیگر آشفته شد و این موضوع تأثیر نامطلوبی بر اوضاع سیاسی و اقتصادی خلیج فارس گذاشت. پیامد این وضعیت سوءاستفاده حکومت‌های محلی در سواحل خلیج فارس بود که ادعای استقلال طلبی می‌کردند. در دهه هشتم قرن دوازدهم هجری/ هیجدهم میلادی، کریم‌خان متوجه خطر اعراب بندرریگ، به سرکردگی میرمهنا، گردید. وی که مستقل از حکومت خان‌زند بر بندرریگ حکم می‌راند، قوای زیادی تهیه کرده و سواحل خلیج فارس را زیر نفوذ خود گرفته بود. میرمهنا با راهزنی و دزدی دریایی امنیت خلیج فارس را به خطر انداخت به نحوی که کمپانی‌های خارجی ترجیح دادند این منطقه را ترک کرده و مکان امن‌تری را جهت تجارت انتخاب نمایند. میرمهنا با استفاده از ناوگان دریایی مجهز تمام مسیرهای بازرگانی و کاروان‌های تجاری در مناطق ساحلی را مورد دستبرد قرار می‌داد. اگر ماجرای شورش میرمهنا و ایجاد ناامنی در منطقه بوشهر پیش نیامده بود، شاید بوشهر می‌توانست جانشین خوبی برای بندرعباس در رقابت با بصره باشد. در این پژوهش سؤالات زیر مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- میرمهنا که بود چگونه به قدرت رسید و تقابل وی با دول خارجی چگونه بود.
- اختلاف میرمهنا و کریم خان بر سر چه مسائلی بود و کریم خان برای سرکوبی وی دست به چه اقداماتی زد.
- انگلیس در سرکوبی میرمهنا چه نقشی ایفا کرد. با توجه به مقطع زمانی کوتاه دوره زندیه و کمبود منابع این دوره، تلاش می‌شود با استفاده از منابع دست اول و سفرنامه‌هایی که در همان زمان تألیف شده و همچنین مقالات و منابع متأخر این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

چگونگی به قدرت رسیدن میرمهنا

بندرریگ تا زمان سلطنت کریم‌خان‌زند، بندر معتبری بود. در اواخر سال ۱۷۰۴ م/ ۱۱۷۹ق، امیر مهنا، فرزند «امیر ناصر عرب»، از مشایخ بندر ریگ، که چندی بود در روی دریا تسلطی به هم رسانیده و به هرطرف دست‌اندازی می‌کرد (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۳۴۶). در زمان مرگ نادر،

میرناصرزعی این شهر را اداره می‌کرد. اجداد آنان از مهاجران عمانی تبار بود که نسبشان به بنی‌صعب می‌رسید. میرناصر به همراه پسرانش در فتح بحرین با شیخ بوشهر همراهی می‌کنند و پس از فتح بحرین، میرناصر برای مدتی برای حفظ منافع خویش، پسرش حسین را در آنجا می‌گذارد (جان پری، ۱۳۶۸: ۲۲۶). میرمهنا در غیاب میرحسین از فرصت استفاده کرد و پس از قتل پدر، بر بندر ریگ مسلط گردید. فلور اعتقاد دارد که میرمهنا با دادن انعام و اعمال زور موفق شد مردم ریگ را وادار به قبول حاکمیت خود در بندر ریگ کند. نظرات مختلف در مورد علت قتل پدر به دست میرمهنا مطرح است. انگلیسی‌ها اعتقاد دارند چون پدر، سوگلی میرمهنا را به فان کنیپهاوزن^۱ بخشید، مورد خشم پسر شد و به همین سبب دست به قتل پدر زد. برخی قتل فان کنیپهاوزن از سوی میرمهنا را به همین علت می‌دانند. برخی هدف میرمهنا از این اقدام را دستیابی به قدرت و ممانعت از جانشینی برادر بزرگ‌تر می‌دانند که احتمال این موضوع بیشتر است. فلور معتقد است شاید یکی از دلایل قتل پدر موافق نبودن وی با رأی پدر در دادن پایگاه مستقل به هلندی‌ها بوده‌است. (فلور، ۱۳۷۱: ۴۷)

میرمهنا و درگیری با کمپانی‌های واک و ایک^۲ (درگیری با انگلیس و هلند)

هلندی‌ها با اطلاع از دیدگاه میرمهنا نسبت به خود زمینه به قدرت رسیدن میرحسین را فراهم کردند. با کمک مالی هلندی‌ها میرحسین موفق شد میرمهنا را از بندرریگ اخراج کرده و خود بر این بندر مستقر گردد. میرحسین به جهت خطری که از سوی میرمهنا احساس می‌کرد، تصمیم گرفت مناسبات خود را با دولت هلند و انگلیس تقویت کند. پشتیبانی هلندی‌ها از میرحسین موجب شد تا فرانسویس وود^۳، نماینده کمپانی انگلیس، پس از آزادی میرمهنا از زندان حاکم تنگسیر، در ملاقاتی مخفیانه با وی در بوشهر، مقدمات بازگشت او را به حاکمیت بندرریگ را فراهم آورد. شیخ ناصر در این ملاقات تعهد کرد ۵۰۰ نفر

1. Von

2. Voc Keniphovsion

3. Francis Wood

مخالفت با هلندیان را برادرش میرحسین دانست و تصریح کرد که وی با برادرش در این زمینه اختلاف دارد و شرایط را زودی تغییر خواهد داد. با این ترفند هلندی‌ها، پس از مدت کوتاهی میرحسین به دست میرمهنا به قتل رسید. میرمهنا پس از قتل برادر و تعدادی از خویشاوندان، با اقتدار، تمام بر بندرریگ مسلط گردید. وی در توجیه اقدامش در قتل برادر وانمود کرد که میرحسین می‌خواست با کمک یکی از حاکمان مجاور، وی را به قتل برساند. میرمهنا توسط میرعلی این پیغام را برای کنیپهاوزن فرستاد که میرمهنا بیش از برادرش میرحسین خواهان گسترش روابط با هلندی‌ها است. کنیپهاوزن به میرعلی گفت: «من شما را تنها کسی از خانواده حاکم می‌دانم که دارای نیروی دریافت وداوری درست است و می‌خواهم دوستی خود را با ویران کردن دژ انگلیسیان به ما نشان دهید» (فلور، ۱۳۷۱: ۷۵).

میرمهنا نیز برای نشان دادن حسن نیت خود برای گسترش مناسبات با هلندی‌ها، تمام تأسیسات انگلیسی‌ها را در بندرریگ ویران نمود. میرمهنا چنان در این کار شتاب کرد که حتی حاضر نشد به درخواست عمال انگلیسی مبنی بر توقف تخریب، تا بازگشت ودد، دست نگه دارد. پس از بازگشت وود، میرمهنا در توجیه اقدامش گفت که اهالی بندرریگ به او این اجازه را نمی‌دهند که انگلیسی‌ها در مرکز شهرشان دژی بسازند؛ اما اگر وی تمایل داشته باشد می‌تواند در ساحل دژ بسازد و میرمهنا همه نوع کمکی به وی خواهد نمود.

این اقدام آغاز دشمنی میرمهنا با انگلیسی‌ها بود. به-تدریج گرفتاری‌های انگلیسی‌های ساکن در بندرریگ افزایش یافت تا اینکه، سرانجام، میرمهنا در ششم نوامبر ۱۷۵۶م به وود و کارکنانش دستور داد بی‌درنگ بندرریگ را تخلیه کنند. آنان نیز به ناچار راهی بندرعباس گردیدند. (فلور، ۱۳۷۱: ۷۶)

میرمهنا پس از تهدید بازرگانان خارجی برای مدتی کارش شکار بازرگانانی بود که از راه خشکی یا دریا از بندرریگ گذر می‌کردند (جان پری، ۱۳۶۸: ۲۲۷). رونق بندرریگ پس از کشته شدن میرحسین کاهش یافت. پیامد این موضوع خروج بازرگانان ارمنی، بانیان و مسلمانان از این بندر بود. حتی اهالی نیز که ثروت و مال و منالی داشتند دست به اقدام مشابه زدند.

را از طرف خوانین دشتستان در اختیار میرمهنا قرار دهد (رجایی، ۱۳۸۶: ۵۳). در این زمان انگلیس برای حفظ منافع خود سیاست دوگانه‌ای را اتخاذ کرد؛ از یک طرف در حمایت از میرحسین، یک دفتر نمایندگی تجاری در بندر ریگ احداث کرد و، از طرف دیگر، با کمک حاکم بوشهر مقدمات بازگشت میرمهنا به بندر ریگ را فراهم آورد.

کریم خان پس از تسلط بر نواحی کهگیلویه، تنگستان و نواحی ساحلی، برای حل اختلاف دو برادر متخاصم، آنها را به شیراز فراخواند. آنان پس از رفع کدورت‌های فی مابین به بندرریگ بازگشتند. نماینده انگلیس در راستای تحکیم مناسبات دوستی خود با آنان، اذعان کرد که تنها مانع بر پیشرفت و آبادانی خارک وجود تجارتخانه واک در خارک است. و منافع آنان ایجاب می‌کند که به هر شیوه ممکن از فعالیت هلندی‌ها در خارک جلوگیری شود. انگلیس پیشنهاد داد که برای این کار نباید از دشمنی آشکار علیه آنها استفاده کرد زیرا قدرت ناوگان هلندی بیشتر از آن است که بتواند حریف آنها شود. پس آنان تصمیم گرفتند به‌طور پراکنده و شبانه برای هلندی‌های ساکن خارک مزاحمت ایجاد نمایند (فلور، ۱۳۷۱: ۷۳). زمانی که کنیپهاوزن، نماینده کمپانی واک، در جریان اجرای این نقشه‌ها قرارگرفت مقابل مستقیم را به صلاح نمی‌دانست و تصمیم گرفت اطراف جزیره را با کشتی مسدود کند تا مانع از ورود افراد از بندر ریگ شود. بهانه و دستاویز میرمهنا و میرحسین برای قطع روابط با هلندی‌ها این بود که کنیپهاوزن در حضور چند شاهد به میرناصر پدر آنان قول داده بود در ازای تملک بر جزیره خارک ۹۰۰ تومان پول بپردازد. کنیپهاوزن در پاسخ به ادعای آنها اعلام کرد در صورتی که دو برادر سند و مدرکی معتبر داشته باشند وی حاضر است این مبلغ را به آنان بپردازد.

کنیپهاوزن با ارسال نامه‌ای توسط مترجم خود به میرمهنا مأموریت داد که اولاً، آن دو برادر را نسبت به واک خوشبین کند، ثانیاً، آنان را علیه انگلیسی‌ها برانگیزاند. به منظور تحقق هدف دوم مترجم واک به آنان گفت که دژ انگلیسی‌ها که در مرکز بندرریگ ساخته شده برای مقاصد تجاری نبوده بلکه تدارک، وسیله‌ای برای مطیع و منقاد کردن بومی‌ها بوده است (فلور، ۱۳۷۱: ۷۴). این حيله چنان در میرمهنا مؤثر واقع شد که در نامه‌ای به کنیپهاوزن علت

به خارک تحریک نماید. اما، در همین اثنا، کنیپهاوزن مترجم خود را نزد کریم خان فرستاد. با این پیام که «هلندیان تنها برای ادامه بازرگانی خود به خلیج فارس آمده‌اند تا بازرگانی را در این سامان رونق بخشند. بنابراین آرزو دارند که خان بر مردمان شورشی ایران غلبه کرده و در صلح و آرامش حاکم قلمرو ایران گردد، هلندیان برای حصول این مقصود تا آنجا که در توان دارند کمک خواهند کرد، همچنان که در عملیات بندر ریگ با ارسال ناوگان خود، این کمک را نشان دادند.» کریم خان پس از اهدای خلعت به آنان، در پاسخ به درخواست کنیپهاوزن قول داد اموالشان به آنان مسترد شود و در صورت مفقودی برخی از کالاها، مبلغ آنها پرداخت گردد. میرمهنا که موفق به اجرای نقشه خود نگردید تصمیم گرفت کریم‌خان را به اذیت و آزار آنان وادارد. پس به کریم‌خان گفت که هلندی‌ها هیچ قراردادی را محترم نمی‌شمارند و موضوع واگذاری خارک در زمان پدرش را مطرح کرد که آنان از پرداخت وجه تعیین‌شده خودداری کردند. اما کریم‌خان علی‌رغم این سخنان حاضر نشد مناسبات دوستانه خود را با هلندی‌ها به هم بزند و در پاسخ به درخواست میرمهنا گفت: «من به عنوان مالک و صاحب اختیار جزیره خارک آنجا را به گونه انعامی به شما داده‌ام و دیگر نمی‌خواهم درباره جزیره خارک سخنی پیش آید.» سپس کریم‌خان میرعلی، برادر ناتنی میرمهنا را جایگزین وی نمود. هلندی‌های از این انتخاب راضی بودند زیرا وی را تنها فرد قابل اطمینان از خاندان میرمهنا می‌دانستند.

تثبیت قدرت کریم خان و آزادی میرمهنا

در سال ۱۷۵۹م کریم‌خان پس از شکست رقبایش و تثبیت موقعیتش در شیراز به وساطت میرزا محمد بیگ خورموجی که از یاران صدیق وی بود، میرمهنا را آزاد کرد. (میرزا حسین خسای، ۱۳۸۲: ۶۱۰). میرمهنا پس از آزادی مجدداً به حکومت بندر ریگ گماشته شد. وی در اولین اقدام خود دست به قتل برادر ناتنی خود میرعلی و چند تن از بستگان خود زد (فلور، ۱۳۷۱: ۸۲).

کریم‌خان نامه‌ای به حاکمان سرزمین‌های ساحلی ارسال کرد و به آنان فرمان داد که خراج خود را به دولت بپردازند. او اگرچه توانسته بود مخالفان خود را از صحنه

میرمهنا پس از این رویداد اغلب مست بود و اطرافیان وی را افرادی هرزه و شهوت پرست احاطه کرده بودند. از این پس همه کاروان‌ها از رفتن به بندر ریگ خودداری می‌کردند (فلور، ۱۳۷۱: ۷۷). افول بندر ریگ و بوشهر، رونق اقتصادی خارک و بنادر دیلم و گناوه را به همراه داشت در نتیجه، تجار به این بنادر روانه شدند. حاکمان بندر دیلم و گناوه برای جذب کاروان‌ها و ایجاد روابط دوستانه با هلندیان دست به هر اقدامی می‌زدند. (فلور، ۱۳۷۱: ۷۸)

کریم خان نزدیک دو سال از تنبیه میرمهنا چشم پوشی کرد تا شاید وی از کرده خود پشیمان شود اما او همچنان به راهزنی در دریا می‌پرداخت. اقدامات میرمهنا در نامنی تجارت در آب‌های خلیج فارس موجب شد کریم‌خان دیگر تحمل نکند (نامی، ۱۳۶۸: ۶۲).

در سال ۱۷۵۷م، کریم‌خان با ۱۵ هزار نفر از مردان جنگی به سمت دشتستان حرکت کرد تا حاکمان این نواحی را به پرداخت خراج وادارد. قائدحیدر، حاکم گناوه، از انقیاد کریم‌خان سرپیچی کرد. در هنگام محاصره گناوه، میرمهنا با سه کشتی گالیوات، خان زند، را یاری نمود. در همین زمان میرمهنا با مشاهده کشتی حامل کالای کنیپهاوزن که از سمت بصره می‌آمد بدون اجازه کریم خان گناوه را ترک کرد و به همراه غنایمی که به چنگ آورده بود، گریخت. کریم خان پس از سرکوبی قائدحیدر، حاکم گناوه، میرمهنا را احضار کرد. اما وی توجهی به این موضوع نکرد. کریم خان در واکنش به اقدام وی، بندر ریگ را محاصره و به میرمهنا اخطار کرد که اگر طی سه روز خود را تسلیم نکند شهر را پس از غارت با خاک یکسان خواهد کرد. میرمهنا چاره‌ای جز تسلیم نداشت. کنیپهاوزن از این فرصت به‌دست آمده برای تلافی اقدام میرمهنا در ضبط اموال کشتی خود استفاده کرد و کشتی گالیوات و کرجی در اختیار سپاهیان خان زند قرار داد تا وی را دستگیر کنند. اما قبل از عملی شدن اقدام مؤثر علیه میرمهنا، او خودش را به کریم خان تسلیم کرد.

اقدام کنیپهاوزن مبنی بر تأمین تجهیزات دریایی، به منظور دستگیری میرمهنا، انگیزه انتقام از هلندیان را در وی ایجاد کرد. پس تصمیم گرفت با ارائه آمار از غنایم دژ موسلستاین و تجار ساکن در خارک، کریم‌خان را به تاختن

ساحلی بود، سپاهی را به فرماندهی ولی خان به بندرریگ گسیل کرد. این سپاه با سپاهانی که سران دشتستان گرد آورده بودند بندرریگ را محاصره کردند، اما با کشته شدن ولی خان، باقرخان، یکی دیگر از سرداران کریم خان، فرماندهی را به عهده گرفت. این سپاه نیز در یک شبیخون شبانه از میرمهنا شکست خورد. پس از شکسته شدن محاصره، میرمهنا به سرعت به ترمیم نیرو و خرابی‌ها پرداخت و مجدداً به غارت ادامه داد به نحوی که قائد حیدر تا سه سال نتوانست از مزارع خود محصولی برداشت کند. از آنجا که نیروهای قائدحیدر توان مقابله با میرمهنا را نداشتند، گناوه را به مقصد خارک ترک کردند.

کریم خان هم‌زمان با ارسال سپاهی علیه میرمهنا، نماینده‌ای به سوی فان درهولست فرستاد و از آنان خواست که از سمت دریا بندرریگ را به محاصره درآورند. این پیشنهاد مورد موافقت فان درهولست قرار گرفت اما مقامات واک به وی دستور دادند هرچه سریع‌تر بی‌طرفی خود را در این ماجرا اعلام کند (فلور، ۱۳۷۱: ۸۸).

تعامل کریم خان و میرمهنا

روابط کریم خان با میرمهنا، دارای فراز و نشیب و مراحل متفاوتی است. زمانی کریم خان در تحکیم قدرت خود و سرکوب رقبا از وی استفاده می‌کرد و گاهی نیز برای سرکوبی وی از فرماندهان سپاه و کمپانی‌های خارجی کمک گرفت. در بررسی مناسبات خان زند و میرمهنا ابتدا به تعامل میان آنها پرداخته می‌شود.

کریم خان به سبب شجاعت و شهامتی که از میرمهنا سراغ داشت، دوبار از وی برای مبارزه با حملات انگلیسی‌ها در سواحل خلیج فارس یاری خواست و هر بار نیز میرمهنا اطاعت امر نموده و با فرنگیان به مقابله پرداخت و همه را از دم تیغ گذارند. بنا به پیشنهاد آقامحمدخان قاجار کریم خان زند، میرمهنا را برای دفع فتنه فرنگیان انتخاب کرد. پس از مدتی مجدداً فرنگیان با هدف گرفتن انتقام، با لشکر بیشتری از سواحل هند به سوی خلیج فارس رهسپار شدند. خان زند نیز آقا محمد خان قاجار را مخاطب قرار داد و فرمود: «ای خیرخواه دولت ایران، به ما راهنمایی نمودی و ما متابعت تو کردیم. و اکنون فتنه و فساد عظیم برپا شده و لشکری بسیار از

رقابت خارج کند اما قدرتی در نواحی ساحلی نداشت. این مسئله سبب شد تا میرمهنا شرارت‌های خود را مجدداً آغاز کند. او با غارت اموال کشتی‌ها، غنایم را میان افرادش تقسیم کرد و از این طریق بسیاری از افراد جانی و آدم-کش را به سوی خود جلب نمود. راهزنی‌های دریایی میرمهنا موجب نگرانی هلندیان ساکن خارک گردید. کنیپهاوزن طی ارسال نامه‌های مکرر از میرمهنا خواست که کالاهای مردم خارک را که به سرقت برده مسترد کند اما میرمهنا پاسخی به نامه‌ها را نیز نداد. پس هلندیان مصمم شدند علیه میرمهنا دست به اقدام مشابهی بزنند. آنان موفق شدند طی عملیاتی بهترین گالیوت‌های میرمهنا را تصرف کنند. این رویداد موجب شد میرمهنا برای مدتی راهزنی دریایی را رها کند اما افرادش را برای غارت مواد غذایی گندم و گوشت به ساحل بفرستد. اقدام کنیپهاوزن مبنی بر تصرف گالیوت‌های میرمهنا از سوی شورای عالی واک و بازرگانان و تجار خلیج فارس مورد تأیید قرار گرفت. علی‌رغم پیروزی هلندیان بر میرمهنا، آنان برای تهیه مواد غذایی دچار مشکل شدند زیرا تا آن زمان، آنان مقادیر زیادی از مایحتاج خود را از بندرریگ تهیه می‌کردند. کنیپهاوزن برای حل این مشکل تصمیم گرفت مناسبات خود را با قائد حیدر، حاکم گناوه، بهبود بخشد. اولین پیامد این اقدام تأمین نیازمندی‌های خود از گناوه و مهم‌تر اینکه به علت دشمنی میان میرمهنا و قائدحیدر آنان بهترین بهره‌برداری سیاسی را از موضوع نمودند. اما به سبب انعامی که کنیپهاوزن از این بابت به قائدحیدر پرداخت نمود مورد مؤاخذه مدیران واک قرار گرفت. پس از مدت کوتاهی فان درهولست^۱ جایگزین وی در خارک گردید. وی موظف شد، هرچه سریع‌تر، به موضوع میرمهنا خاتمه دهد و تکلیف را یکسره کند. در سال ۱۷۶۰م، حاکم بوشهر و همه حاکمان دشتستان نیروهای خود را علیه میرمهنا بسیج کردند اما از آنجایی که میان سران آنها اختلاف نظر وجود داشت نتوانستند کاری از پیش ببرند. سران دشتستان پس از ناکامی در سرکوبی میرمهنا، از دست اقدامات وی به خان زند شکایت کردند. کریم خان نیز که خواهان ثبات و آرامش در نواحی

1 . Von de Holst

می‌نمود. و اهل هفت کشور، از سرقت و شلتاق او به ستوه آمده بودند و قدرت بر دفعش نداشتند» (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۳۹۵). اما مهم‌ترین عاملی که موجب شد میرمهنا از سوی کریم خان تحت تعقیب قرار گیرد نا-امنی‌هایی بود که وی در مسیر تجاری خلیج فارس ایجاد نموده بود. کارستن نیبور می‌نویسد: «میرمهنا و متحدان وی خطوط تجاری بین بوشهر و شیراز را نا امن کرده و تا عمق اراضی پس کرانه ای نفوذ کرده است» (نیبور، ۱۳۵۴: ۲۴). سیاست خان‌زند در زمینه امور داخلی سروسامان بخشیدن به اوضاع اقتصادی کشور بود و میرمهنا مانع بزرگی بر سر تحقق این آرمان کریم خان محسوب می‌شد. در واقع، کریم-خان پس از سرکوبی مخالفان تصمیم گرفت اوضاع کشور را سروسامان دهد. در این راستا، مهم‌ترین مانع در سر راه تجارت و فعالیت اقتصادی کمپانی‌های خارجی، حضور میرمهنا در آب‌های خلیج فارس و اقدامات وی بود که منجر به خروج شرکت‌های خارجی از سواحل ایران گردید. اگر ضعف حکومت مرکزی و کنترل شورش و خودمختاری میرمهنا در خارک نبود این کمپانی می‌توانست جانشین مناسبی برای کمپانی هند شرقی انگلیس در تجارت اروپا با ایران باشد (رجایی، ۱۳۸۶: ۴۲).

اقدامات میر مهنا و پیامدهای آن، حکومت زند را بر آن داشت تا به بندرریگ لشکرکشی کند. اما میرمهنا هر بار به دریا می‌گریخت و به دلیل فقدان نیروی دریایی مناسب، اقدامات دولت مرکزی نتیجه‌ای در پی نداشت. اگرچه کریم‌خان به اندازه کافی در خشکی قدرت کافی داشت، اما نیروی دریایی او ضعیف‌تر از آن بود که بتواند دشمن را از پای درآورد. آنچه آشکار بود ناتوانایی خان زند در نیروی دریایی بود. به عبارتی اگرچه کریم خان در خشکی توانسته بود رقبای خود را مغلوب کند اما در آب‌ها این توانایی را نداشت و همین مسئله موجب شده بود که کریم‌خان در آب‌ها با گروه‌هایی مواجه شود که تهدیدی برای حکومت وی محسوب می‌شدند. این موضوع وکیل را ناچار به درخواست کمک از دول اروپایی حاضر در خلیج فارس.

هدف کریم خان در برقراری روابط با انگلیس

کریم خان به ناچار برای سرکوبی میرمهنا از دولت انگلیس و فرانسه که در خلیج دارای ناوگان نیروی دریایی بودند

فرنگ و هند به بندرعباسی آمده‌اند. چه کار باید کرد.» آقامحمدخان چنین پیشنهاد کرد: «مصلحت، چنان است که از جانب وکیل‌الدوله، رقم و خلعتی از برای میرمهنا مذکور فرستاده شود و محاربه فرنگی را به وی محول فرمایند؛ که میرمهنا، دفع فرنگیان خواهد کرد.» این موضوع از سوی امرا و خوانین مورد تصدیق و تحسین قرار گرفت اما وزراء، از روی تمسخر و استهزاء، آن را تکذیب کردند (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۴۰۳). کریم خان فرمان داد رقمی و خلعتی برای میرمهنا فرستادند و مضمون رقم، آن‌که «ما در این وقت، محاربه فرنگی را به تو واگذاریم و این خدمت را در دولت ایران به تو محول فرمودیم. به هر قسمی که در قوه تو هست و مقدورت می‌شود، دفع این ابلیس و شان پرتلیس را بکن» (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۴۰۳). میرمهنا برای پس از دریافت خلعت آن را بوسید و اطاعت امر کرد. شگرد میرمهنا در این نبرد این بود که برای سرکوبی دشمنان برتن سپاهیان خود چادر زنانه نموده و در زیر آن سلاح جنگی پنهان نموده و سوار بر قایق راهی مقر مخالفان شدند، آنان نیز فریب خورده و همگی با سلاح‌های پنهان در چادر زنانه نابود شدند.

میرمهنا زمانی که خان زند برای گرفتن خراج از قائدحیدر، حاکم گناوه، راهی آن سرزمین شده بود به حمایت و هواداری همراه خان زند بود (فلور، ۱۳۷۱: ۷۸). به نظر می‌رسد میرمهنا اگرچه با کریم‌خان در مواردی اختلاف داشت اما هرگاه خان‌زند برای دفاع در مقابل بیگانگان از وی درخواست یاری می‌کرد وی اجابت نموده و با دشمنان وارد کارزار می‌شد.

اختلاف کریم خان با میرمهنا

کریم خان با شیخ‌های ساحل خلیج فارس، مخصوصاً با میرمهنا، رئیس بندر ریگ اختلاف داشت. یکی از موارد اختلاف کریم خان با میرمهنا بر سر نپرداختن مالیات بوده است. مؤلف رستم التواریخ می‌نویسد: «آن غیور بی‌باک، جزیره خارک را مقر خود نموده و از روی غرور و نخوت، با سلطان ایران مدار، والاجاه، کریم خان وکیل‌الدوله جم‌اقتدار، آغاز سرکشی نمود و در روی دریای عمان، کشتی‌ها و غراب‌های هندیان و سندیان و رومیان و فرنگیان و غیر ایشان را به زور و تعدی و ستم، تسخیر و ضبط و تصرف

انگلیسی‌ها اعلام کرد که خصومتی با آنها ندارد. بنابراین هم خودشان و هم اموالشان را محترم خواهد شمرد (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۲۰). در ضمن میرمهنا، در سال ۱۷۶۶م، با کمک‌های پنهانی انگلیس موفق شده بود کشتی‌های بازرگانی خود را به ناوهای توپ دار تبدیل کند.

قبل، از عقد قرارداد، انگلیسی‌ها با درخواست کریم خان مبنی بر مقابله با میرمهنا مخالفت ورزیدند. انگلیسی‌ها تا زمانی که میرمهنا به کشتی‌های کمپانی حمله نکرده بود، دلیلی برای درگیر شدن با میرمهنا نداشتند. درباره عدم تمایل انگلیسی‌ها در کمک به کریم‌خان زند، پژوهشگران دلایل مختلفی را ذکر کرده‌اند. برخی عدم برداشت صحیح آنها از موقعیت و جایگاه خان‌زند در منطقه و جدی نگرفتن حکومت مرکزی ایران را در این امر دخیل می‌دانند. رؤسای کمپانی، کریم خان را نیز مانند دیگر حاکمان محلی، یک عنصر گریز از مرکز قلمداد می‌کردند که با استفاده از اوضاع نابه‌سامان پس از مرگ نادرشاه، چند صباحی در گوشه‌ای از ایران به قدرت رسیده است (رجبی، ۱۳۸۹: ۸۷). بنابراین، وی را قابل اعتماد نمی‌دانستند. گذشته از آن رو، انگلیسی‌ها انگیزه‌ای برای درگیر شدن با میرمهنا نداشتند (امین، ۱۳۷۰: ۱۲۲). البته دلیل اصلی رد درخواست کریم خان را، وضعیت بی‌ثبات وی می‌دانستند. بنابراین عاقلانه نبود که با اعراب به ستیز پردازند. این بی‌اعتمادی در مورد ایرانی‌ها تأثیر مهمی در روابط ایران و انگلیس در آن زمان ایفا نمود (امین، ۱۳۷۰: ۱۲۳). انگلیسی‌ها چندین بار به واسطه آتکایی که در منطقه داشتند، تلاش کردند که کریم‌خان را تحت فشار قرار دهند و از همکاری جدی با او طفره می‌رفتند.

نقش دولت‌های محلی و خارجی در سرکوبی

میرمهنا

برای سرکوبی میرمهنا، در ۱۷۶۵م، سپاهی را به فرماندهی امیرگونه خان، کریم‌خان مأمور کرد. او ابتدا خورموج را تصرف کرد. رفتار توأم با مدارای امیرگونه خان در لار و تنگستان موجب همکاری فرماندهان بومی و توده مردم با وی گردید (جان پری، ۱۳۶۸: ۲۲۹). خیال کریم خان از طرف شیخ ناصر، رئیس بوشهر، راحت بود. چون شیخ ناصر از بابت تجارت بوشهر با شیراز استفاده زیادی می‌برد

درخواست کمک کرد زیرا دارای ضعف در ناوگان دریایی ایران بود. به عبارتی، مهم‌ترین عاملی که موجب برقراری مناسبات با انگلیسی‌ها گردید، بهره‌مندی از همکاری نیروی دریایی آنان علیه میرمهنا بود (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۰).

نیاز کریم خان زند به مساعدت نیروی دریایی انگلیس برای مقابله با میرمهنا به فردی یاغی و مخل امنیت تجارت درخلیج فارس، موجب نزدیکی خان‌زند به انگلیسی‌ها گردید. امین، این عامل را هدف اصلی از برقراری مناسبات با انگلیسی‌ها از سوی کریم خان می‌داند (امین، ۱۳۷۰: ۱۱۸). وهرام با اشاره به رد درخواست انگلیسی‌ها مبنی بر گسترش مناسبات تجاری با ایران از سوی خان زند در سال ۱۱۷۶ ق/ ۱۷۶۲ م، نیاز به همکاری آنها در نبرد با میرمهنا را دلیل موافقت کریم خان با درخواست انگلیسی‌ها در سال بعد و انعقاد قرارداد ۱۱۷۷ ق/ ۱۷۳۶ م. ذکر می‌کند (وهرام، ۱۳۵۸: ۱۳۷-۱۳۶). دلدن در این زمینه می‌نویسد که: «کریم خان با واگذاری چنین تسهیلات بزرگی انتظار داشت که انگلیسی‌ها او را در مبارزه با میرمهنا و امام عمان یاری دهند» (دلدن، ۱۳۶۳: ۱۰۲).

انگلیس و میرمهنا

کریم‌خان و میرمهنا، هر دو خواستار دوستی با انگلیس بودند. کریم خان می‌خواست انگلیسی‌ها همراه شیخ بوشهر، موقع حمله نیروی نظامی او از طرف خشکی، از طرف دریا به مقر قدرت میرمهنا حمله کنند.

در عوض، میرمهنا میل داشت، که انگلیسی‌ها، به جای بوشهر در بندرریگ مستقر شوند، اما می‌دانست که اگر او توانایی مقابله با نیروی زمینی کریم خان را نداشته باشد، نمی‌تواند، امیدوار باشد، که انگلیسی‌ها از حمایت شیخ بوشهر دست بردارند و او را با ثروتش در دریا تنها نگذارند (نیبور، ۱۳۵۴: ۴۰).

میرمهنا نسبت به انگلیسی‌ها - با آنکه قبلاً کریم خان را علیه وی همراهی کرده بودند- سیاستی مسالمت‌آمیز در پیش گرفت. به نظر می‌رسد میرمهنا تمایلی به رویارویی با ناوگان بریتانیا نداشت یا شاید در این زمان توانایی لازم را در خود نمی‌دید. به همین دلیل، پس از تسخیر خارک، هنگامی که بوشهر را تهدید به حمله کرد، خطاب به

چند کشتی بوشهر به مقصد بحرین را تصرف کند. در عین حال هلندی‌ها می‌ترسیدند که به سبب ازدیاد جمعیت کوچنده، نیروهایشان از نظر آذوقه در مضیقه بیفتد و، علاوه بر این، کریم خان و شیخ ناصر به دلیل حمایت آنها از مردم کوچ کرده تجارت با ایران را برای شان ممنوع کند و، سرانجام می‌ترسیدند که تازه‌واردها زمینه ورود میرمهنا را به جزیره خارک فراهم نمایند. پس تصمیم گرفتند که از پذیرش آنان به خارک جلوگیری کنند (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۷۵).

در این موقع میرمهنا تمام خانواده‌اش و، همچنین ساکنین بندر ریگ را به خویری، جزیره خالی از سکنه‌ای، در حدود ۷ کیلومتری خارک، منتقل کرد. پس از استقرار میرمهنا در خویری، امیرگونه‌خان با سپاهش به بندرریگ نزدیک شد. کریم خان نیز چند هزار نفر از سپاه خودش را، به امیرگونه خان ملحق کرد (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۶۱۰). با تصرف بندرریگ توسط امیرگونه خان، آنان آماده پیاده شدن در خارک گردیدند. با محاصره خارک تجارت و تهیه آذوقه هلندی‌ها متوقف شد و این مسئله موضع هلندی‌ها را نسبت به میرمهنا کاملاً تغییر داد. این تغییر موضع هلندی‌ها موجب شد تا میرمهنا محاصره قلعه هلندی‌ها را در دستور کار خود قرار دهد. میرمهنا قوای خود را در جزیره خارک پیاده کرد و از آنجایی که ارتباط جزیره با خارج قطع شده بود نماینده هلند تصمیم گرفت باب مذاکره با میرمهنا را باز کند. اما هیأت نمایندگی هلندی‌ها به دستور میرمهنا دستگیر شد و او پس از یک نبرد کوتاه موفق شد دژ هلندی‌ها را تسخیر کند و هلندی‌ها را از خارک بیرون براند. پس از تسلیم قلعه و شهر، عده زیادی از آنان با کشتی راهی باتاویا شدند. در ۱۷۶۵ م، هلندی‌ها، به طور کامل، از جزیره خارک رانده شدند. از این تاریخ به بعد دیگر کسی از این ملت در خلیج فارس ظاهر نگردید، و به‌طور کلی تجارت در ایران را ترک کردند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۰). هلندیان به دلیل ناامنی‌های موجود در بندرعباس که امکان هرگونه فعالیت تجاری را از آنان گرفته بود، پس از تعطیلی دفتر تجاری خود این بندر را ترک کردند (فلور، ۱۳۷۱: ۴۶) میرمهنا با این کار، هلندی‌ها را نه تنها به ترک جزیره خارک، که عملاً به ترک تمام خلیج فارس واداشت (دلدم، ۱۳۶۳: ۱۰۴).

و به این سبب به صلاحش نبود که علیه کریم خان اقدامی بکند (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۷۴).

علاوه بر این، خود او با میرمهنا در حال جنگ بود، اما نیروی دریایی او ضعیف‌تر از آن بود که بتواند دشمن را از پای درآورد. وکیل ناچار از اروپایی‌ها تقاضای کمک کرد. قوای انگلیسی مستقر در بوشهر نمی‌خواستند در جنگ علیه میرمهنا شرکت کنند، اما چون میرمهنا خیلی ضعیف شده بود، آقای جرویس^۱ بالأخره قول داد که یک کشتی کوچک به کمک شیخ ناصر بفرستد.

شیخ ناصر پیش‌بینی می‌کرد، که میرمهنا نخواهد توانست در مقابل نیروی زمینی دولتی مقاومت بکند (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۷۵). او امیدوار بود که نیروی دولتی میرمهنا را آن قدر ضعیف کند، که او بعداً بتواند با کمک انگلیسی‌ها، ثروتی را که به خویری منتقل شده بود به دست آورد. شیخ بوشهر مایل بود، که میرمهنا به کلی نابود بشود، اما در کشتی‌های او کوچک‌ترین نشانی از نظم به چشم نمی‌خورد. افسران شیخ یا به سبب ترس یا به بدین علت که رشوه گرفته بودند، همواره از به‌وجود آمدن برخورد دریایی پرهیز می‌کردند و به این ترتیب، آنها همیشه انگلیسی‌ها را و بعد هلندی‌ها را تنها می‌گذاشتند. شاید اگر عرب‌های بوشهر با کاپیتان پرایس همکاری کرده بودند، میرمهنا به کلی نابود شده بود.

برای سرکوبی میرمهنا قرار بر این شد، که امیرگونه خان از خشکی و شیخ ناصر، با کشتی انگلیسی‌ها، از طریق دریا حمله کنند (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۷۳). در این میان میرمهنا فرصت داشت تا جبهه دفاعی خود را تقویت کند. او ابتدا برای بندرریگ آذوقه‌ای کافی تدارک دید. جمعیت زیادی از این شهر به خارک رفت، و این مسئله از چند جهت برای هلندی‌ها تأمل برانگیز بود. هلندی‌های جزیره خارک تمایلی به دخالت در این جنگ نداشتند. رئیس شرکت هلندی برای آنکه خودش را از مداخله در این امر بازدارد حتی به کشتی میرمهنا اجازه داد که در خارک مواد غذایی تهیه و سوخت‌گیری کند (جان پری، ۱۳۶۸: ۲۲۹). در این مدت میرمهنا توانست در عملیات جنگی علیه کمپانی هندشرقی و ناوگان بوشهر پیشی بگیرد و حتی

بصره گردید (پری، ۱۳۶۸: ۲۲۸-۲۲۶). با کشته شدن میرمهنا در بصره، کریم خان جزایر فارس را به حیطه تصرف آورد؛ و جزیره خارک را با اسناد به دولت فرانسه، که در آن وقت «لویی پانزدهم» سلطنت می‌کرد، واگذار کرد. ولی وزرای «لویی» تمایلی به تصرف جزیره‌ی خارک نداشته و برای تصرف آنجا نیامدند. میرحسن سلطان، عامل کودتا بر علیه میرمهنا تصمیم داشت پس از خروج میرمهنا از خارک، آن را به انگلیسی‌ها تسلیم کند. ولی بعد منصرف شد (اسدیور، ۱۳۸۷: ۲۱۸). به این ترتیب، بالأخره جزیره خارک به دست ایرانی‌ها افتاد.

واکاوی سیاست دوگانه انگلیس در سرکوبی میرمهنا

دولت بریتانیا برای دستیابی به یک مصالحه سیاسی با کریم‌خان، با پیوستن به نیروهای ایران علیه میرمهنا، موافقت کرد. میرمهنا نه تنها تجارت دریایی انگلیس را تهدید می‌کرد در عبور و مرور کاروان‌ها به شیراز نیز اختلال ایجاد می‌کرد. در قراردادی که در ۱۷۶۷م میان دودولت به امضا رسید، امتیازاتی به انگلیسی‌ها واگذار شد که طی آن علاوه بر تثبیت امتیازات قبل، مجوز ساخت استحکامات نظامی برای تقویت مواضع خود دریافت کرد و مهم‌تر از آن توافق شد در صورت پیروزی علیه میرمهنا، خان‌زند جزیره خارک را در اختیار آنان قرار دهد با این شرط که این امتیاز را به هیچ قدرت اروپایی دیگر واگذار نکند (آوری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۷، ۱۹۸).

اهمیتی که صلح با کریم‌خان زند و به دست آوردن جزیره خارک برای انگلیسی‌ها در برداشت، سبب گردید با وجود مخالفت‌های مقامات کمپانی در لندن، شورای کمپانی در بمبئی، ناوگانی را برای همکاری با ایرانی‌ها علیه میرمهنا اعزام کند و به نمایندگی بصره یادآور شد که عملیات علیه او را به بهترین شکل ممکن انجام دهد (امین، ۱۳۷۰: ۱۴۶). انگلیسی‌ها برای نابود کردن میرمهنا نیروی دریایی نسبتاً بزرگی را از بمبئی روانه جزیره خارک کردند، اما این نیرو، بی‌آنکه به نتیجه برسد، ناگزیر از بازگشت شد (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۸۷). بنا به گزارش کارملیت‌ها، ۱۱ کشتی انگلیسی در این نبرد شرکت داشتند (کارملیت‌ها: ۱۲۰). با این حال، شکست سختی نصیب آنها شد.

امیرگونه خان پس از ناکامی در عملیات علیه میرمهنا بندرریگ را ترک کرد. میرمهنا بلافاصله بندرریگ را بازپس گرفت. خان زند در ۱۷۶۸م، نیروی دیگری را به بندرریگ اعزام کرد که این نیرو نیز با عدم همکاری نماینده کمپانی (موره) مواجه شد. پس از آنکه کریم خان از کمک‌های خارجی در سرکوبی میرمهنا ناامید شد، زکی خان زند را با لشکری بسیار، با مشایخ بندرعباس و بوشهر، مأمور به دفع او نمود. جنگ سختی در گرفت. از آنجایی که حمله مستقیم به جزیره خارک بی‌اثر بود، خان‌زند تصمیم گرفت از طریق محاصره زمستانی و قطع دسترسی به منابع آذوقه آنان را گرفتار کند. پس فرمان داد تا از نظر آذوقه و ارسال مواد غذایی در تنگنا قرار گیرند (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۳۴۶). در ۱۷۶۹م، با افزایش شدت وسختی محاصره و ادامه خونریزی‌های میرمهنا، گروهی از خویشاوندان را علیه خود برانگیخت همین امر موجب اختلاف میان یاران وی شد (روشن ضمیر، ۱۳۵۰: ۵۹). زمانی که خویشان میرمهنا متوجه شدند که دیر یا زود میرمهنا دستگیر می‌شود، یکی از خویشانش به نام حسن سلطان در حالت غافلگیری تصمیم به دستگیری وی نمود. در این موقع تعدادی از سربازهای میرمهنا، ترجیح دادند به سپاه نیرومندتر بپیوندند و این موضوع موجب نگرانی وی گردید. میرمهنا که چندی پیش در خشکی حوزه وسیعی را تحت نفوذ خود داشت، حالا فقط جزیره خشک و بایر رادر اختیار داشت. بالأخره یاران میرمهنا بر او شوریدند. قوای زکی‌خان و کشتی‌های هلندی‌ها، میرمهنا را مجبور ساختند که در جزیره کوچکی متحصن شود. میرمهنا با تعداد کمی از یارانش با آذوقه اندک و کشتی شکسته خود را به آب‌ها انداخته، تا اینکه به ساحل بصره رسیدند. میرمهنا تمایلی نداشت که به بصره برود چون مردم بصره به سبب شرارت‌ها و آدم‌کشی، به خونس تشنه بودند. مردم بصره وی را شناختند و او و همراهانش را دستگیر کردند (گیتی گشا، ۱۳۶۸: ۱۶۵-۱۶۶). ظاهراً حاکم بصره مستقیماً یا به دستور پاشای بغداد - که او را خطری جدی برای سلامت مسیر تجاری بصره در خلیج فارس می‌دانست- او را دستگیر کرد (متولی به نقل از غفاری کاشانی ۱۳۶۹: ۲۷۸). در آنجا توسط عمال عمرپاشا، حاکم بغداد دستگیر شد و به قتل رسید که همین امر بهانه‌ای برای تصرف

اگرچه می‌توان اقدامات مور در حمله نابهنگام و بدون هماهنگی با حکومت ایران به خارک و نیز اعزام زود هنگام ناوگان انگلیسی به معنی اعلام شکست به بمبئی را در به نتیجه نرسیدن عملیات مهم دانست - خصوصاً اینکه وی مورد سرزنش مقامات ارشد در بمبئی نیز واقع شد (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۲۲). یا بتوان این شکست را به ناکارایی و بی‌کفایتی فرماندهی ناوگان انگلیسی ربط داد، اما باید پذیرفت که کریم‌خان نیز با اعزام نکردن به موقع نیرو، به هر دلیل، مسیر شکست را هموار کرد و زمینه را برای اشکال تراشی افرادی چون مور فراهم کرد. آنچه قابل تأمل است اینکه کریم‌خان در سال ۱۱۷۹ ق/۱۷۶۵ م. نیز با وجود وادار کردن هلندی‌ها به همکاری با وی علیه میرمهنا، از اعزام به موقع کمک به آنها بازماند (فلور، ۱۳۷۱: ۱۲۶-۱۲۱).

به نظر می‌رسد هدف انگلیس از مجهز کردن ناوگان نظامی میرمهنا به سلاح توپ دار، از یک طرف، موقعیت را برای تحکیم و تثبیت قدرت وی و راندن و نابودی هلندی‌ها و خروج آنها را از خارک فراهم می‌ساخت و، از طرف دیگر، تبدیل به قدرت بلامنازع در سواحل خلیج فارس می‌گردید.

دیدگاه مورخان و پژوهشگران در مورد میرمهنا

در بررسی شخصیت میرمهنا این سؤال مطرح می‌شود که میرمهنا که بود و چه اهدافی را دنبال می‌کرد. آیا او یک انقلابی بود که جزایر و سواحل جنوبی کشور را از دست اشغالگران نجات داد یا یک راهزن بود که امنیت سواحل خلیج فارس را به خطر انداخت و موجب تضعیف اوضاع اقتصادی کشور گردید.

در مورد شخصیت میرمهنا نیز نظرات متفاوتی بیان شده است برخی وی را راهزن وعده‌ای دیگر وی را فردی شجاع و وطن‌پرست معرفی می‌کنند. منابع خارجی مثل فلو و جان پری، به اتفاق نظر، میرمهنا را فردی راهزن و شرور معرفی کرده‌اند که فعالیتش موجب تضعیف اوضاع اقتصادی ایران و منافع آنان گردیده است. فلور به سبب داشتن ملیت هلندی، میرمهنا را به جهت اخراج هلندیان از خارک، فردی دزد و راهزن معرفی می‌کند. منابع متقدم مثل مؤلف رستم *التواریخ* وی را فردی بی‌باک و آراسته به

انگلیسی‌ها به‌رغم اینکه در قرارداد قول همکاری با کریم‌خان را در سرکوبی میرمهنا داده بودند اما در طی سه بار حمله به میرمهنا در سال‌های ۱۷۶۵ و ۱۷۶۱ و ۱۷۶۸ م، عملاً هیچ کمکی به کریم‌خان نکردند. در ماجرای سرکوب میرمهنا انگلیسی‌ها به‌رغم وعده کمک به خان زند، ناوگان خود را از معرکه کنار کشیدند (متولی، ۱۳۸۹: ۱۵۵). اسکندر دلدل عدم حمایت و پشتیبانی انگلیسی‌ها از نقشه‌های کریم‌خان را این‌گونه تحلیل می‌کند که سرکوبی میرمهنا موجب بهبودی وضعیت هلندی‌ها در منطقه می‌شد. چیزی که انگلیسی‌ها به هیچ عنوان تحمل نمی‌کردند (دلدل، ۱۳۶۳: ۱۰۴ و ۱۰۲).

درباره شکست انگلیسی‌ها در این عملیات دو دیدگاه مطرح است، دیدگاه اول، اقدامات مور را دلیل اصلی این شکست مطرح کرده است. مور که با هر نوع همکاری و سازش با ایرانی‌ها مخالف بود، دستور داد ناوگان اعزامی بی‌آنکه منتظر ورود نیروهای ایرانی به بندرریگ و اعزام آنها به محل عملیات بماند، خارک را محاصره کند. به دلیل کمبود نیرو جهت پیاده کردن در جزیره، محاصره با شکست روبه‌رو شد و حمله به قلعه خارک با دادن تلفات سنگین بی‌نتیجه ماند. او که همچنین معتقد بود کریم‌خان زند به وعده خود عمل نکرده و در اعزام به موقع نیروی کمکی سستی به خرج داده است به ناوگان انگلیسی دستور داد تا منطقه را به سوی بمبئی ترک کند. بنابراین، هنگامی که نیروهای ایرانی، تحت فرمان زکی خان زند، به بندرریگ رسیدند، از کشتی‌های انگلیسی اثری نیافتند (امین، ۱۳۷۰: ۱۵۰-۱۵۱، ۱۳۶۸: ۳۶۸). دیدگاه دوم، تامل و عدم اعزام به موقع سپاه از سوی کریم‌خان برای همکاری با انگلیسی‌ها را دلیل ناکامی آنها در محاصره خارک و پیروزی بر میرمهنا می‌داند (هدایتی، ۱۳۳۴: ۲۳۵). برخی سعی دارند پشیمانی کریم‌خان از واگذاری خارک به انگلیسی‌ها و، همچنین، پیشنهاد فرانسوی‌ها مبنی بر تأمین مایحتاج ارتش ایران بدون اخذ هرگونه امتیازی و تنها در برابر ابریشم ایران (همان: ۲۳۴). را در این اقدام خان زند دخیل بدانند. به نظر می‌رسد کریم‌خان زند به دلیل ناراضی‌ها از انگلیسی‌ها خواسته‌باشد فرانسوی‌ها را جایگزین آنها کند (روشن ضمیر، ۱۳۵۰: ۱۵) برطبق این دیدگاه‌ها، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که

قتل میرمهنا و پیامد آن

کشته شدن میرمهنا در بصره توسط عمرپاشا یکی از عواملی بود موجب تحریک کریم‌خان در تصرف بصره گردید. پس از کشته شدن میرمهنا، کریم‌خان برای گوشمالی انگلیسی‌ها که مرز تجارتی خود را به بصره منتقل کرده بودند، به محاصره بصره پرداخت (راوندی، ۱۳۵۴: ۵۸۶)، مؤلف گیتی‌گشا می‌نویسد که بعد از اسیر نمودن میرمهنا، گزارش به عمرپاشا، والی بغداد، دادند و او دستور قتل را صادر کرده و به طور مخفی او را کشتند. اقدام پاشای بغداد در قتل میرمهنا با عکس‌العمل شدید کریم‌خان مواجه گشت. در این خصوص کریم‌خان نامه‌ای به سلیمان پاشا، حاکم بصره، نوشت و عصبانیت خود را این چنین اعلام کرد.

«...ای بی ادب! غلط بسیار بزرگی از تو صادر و جرم بسیار عظیمی از تو ظاهر شده، تنبیه تو لازم و به تحذیر تو عازم می‌باشیم، ای بی خرد ناهوشیار، چاکر یاغی روگردان ما را چرا بر دار کردی؟ تنبیه چاکر گناهکار بر آقای وی است، نه بر غیر و در حقیقت میرمهنا صاحب سیف و قلم و به کمالات صوریه و معنویه آراسته بود از کشور روم خونبهایش بیش است، پس بر ما واجب است، که خونبهای چاکر رشید نامور خود را از تو بگیریم» (رستم/الحکما، ۱۳۸۲: ۴۱۵).

آصف مسئله میرمهنا را مهم‌ترین عامل در تصرف بصره می‌داند. دستاویز کریم‌خان این بود که میرمهنا فردی ایرانی و تبعه ایران بوده است (رستم/الحکما، ۱۳۸۲: ۴۱۳).

شک نیست که مرگ میرمهنا یک فرصت مناسب دیپلماتیک برای وکیل بود. کریم‌خان به دنبال بهانه برای لشکرکشی به بصره بود. پس از سلطان عثمانی سروالی بغداد را به تلافی قتل خودسرانه میرمهنا را مطالبه کرد که به دنبال پاسخ منفی سلطان عثمانی، تصمیم به تصرف بصره گرفت (سایکس، ۱۳۷۰: ۴۰۷).

بحث و نتیجه‌گیری

کریم‌خان برای استقرار امنیت در مرزهای جنوبی و نواحی سواحل و مقابله با میرمهنا به نیروی دریایی نیازمند بود و چون در بین متحدانش به جز حاکم بوشهر نیروی نیرومند

کمالات معنوی معرفی می‌کند (رستم/الحکما، ۱۳۸۲: ۴۰۵). در منابع متأخر و معاصر فقیه و اقتداری از وی به عنوان فردی انقلابی که بر علیه سیاست‌های استعماری انگلیس و هلند به پا خاسته نام می‌برند. اقتداری، او را آدمی معمولی و دهاتی، اما شجاع و مذهبی و وطن‌پرستی می‌داند که بدون اجازه دولت مرکزی و بدون اینکه لشکری و قوایی مجهز داشته باشد، به وسیله قایق‌های معمولی به دو جزیره خارک و جزیره خارکو حمله و نیفن هاوزن را از آنجا بیرون کرد و این دو جزیره را دوباره بازپس گرفت (اقتداری، ۱۳۸۲: ۳۲۱)، اقتداری، برخلاف فلور، که میرمهنا را فردی شرور و بعضاً آلوده به رذایل اخلاقی نمی‌داند بلکه وی را فردی وطن‌پرست و مذهبی می‌داند که در راه حفظ کشور از لوٹ بیگانگان با آنان وارد جنگ شده و هلندی‌ها را از خارک و ایران بیرون می‌راند و فلور هلندی به جهت دیدگاه استعماری و تعصب خاص به او و مادرش تهمت و افترا می‌زند. (اقتداری، خیراندیش، جعفریان، ۱۳۸۲: ۳۲۱). اقتداری به انتقاد از نوشته‌های فلور می‌پردازد که میرمهنا را حرام‌زاده خوانده و علت اعدام وی در بصره را به جرم بدکاره بودن مادر وی و خودش می‌داند. (همان) اما آوری، مرگ میرمهنا به دست مقامات عثمانی را به سبب رفتار بی‌دادگرانه وی می‌داند (آوری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۹) و «همچنین، به نکوهش پژوهشگرانی می‌پردازد که به تائید دیدگاه فلور در آثارش می‌پردازند. اقتداری میرمهنا را سرباز جانباز فداکار افتخارآفرین در عرصه مسائل خلیج فارس می‌داند (اقتداری، ۱۳۸۹: ۳۲). ودیعی اعتقاد دارد که میرمهنا در ابتدا تابع کریم‌خان زند بود اما مشاهده اوضاع کشور که نشان از عدم تسلط حکومت ایران بر سواحل و جزایر در برابر قدرت نظامی تجاری اروپاییان بود، منجر به شورش وی گردید (ودیعی، ۱۳۹۰: ۷۳).

در مورد شخصیت میرمهنا برخی مورخان و وقایع نگاران دچار افراط و تفریط شده‌اند. میرمهنا برای کسب قدرت به قتل عام اعضای خانواده خویش اقدام کرد که این عمل مذموم و تأمل برانگیز حاکی از قساوت قلب و جاه طلبی او بوده است. اگرچه او گاهی برای حفظ منافع خود با انگلیس و هلند تسامح می‌نمود. اما برخی مورخان اقدام وی را در بیرون راندن هلندی‌ها از خارک ستوده و وی را فردی انقلابی می‌دانند.

افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل التواریخ*. به کوشش سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه. تهران: تاریخ ایران. اقتداری، احمد (۱۳۸۹). "خلیج فارس". *جهان کتاب*. فروردین و اردیبهشت. شماره ۲۵۱ و ۲۵۲.

اقتداری، احمد و دیگران (۱۳۸۲). "میزگرد". *پژوهش و حوزه*. بهار و تابستان. شماره ۱۳ و ۱۴.

امین، عبدالامیر (۱۳۷۰). *منافع بریتانیا در خلیج فارس*. ترجمه علی رجیبی یزدی. تهران: انتشارات.

اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*. ترجمه محمد طاهر قاجار. تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات تهران.

پری، جان (۱۳۶۸). *کریم خان*. ترجمه علی محمدساکس. تهران: نشر نو.

پیتر، آوری و دیگران (۱۳۸۹). *تاریخ ایران کمبریج*. جلد هفتم دوره *افشاریه و زندیه*. ترجمه تیمور قادری. تهران: انتشارات مهتاب.

لدلم، اسکندر (۱۳۶۳). *سلطه جویان واستعمارگران در خلیج فارس*. تهران: انتشارات نوین.

راوندی، مرتضی (۱۳۵۴). *تاریخ اجتماعی ایران*. ج ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.

رجایی، غلامعلی بهار (۱۳۸۶). "مناسبات ایران و هلند از دوره صفویه تا زندیه". *تاریخ روابط خارجی*. شماره ۳۰.

رجیبی، پرویز (۱۳۸۹). *کریم خان و زمان او*. تهران: انتشارات کتاب آمه.

رستم الحکما، محمدهاشم آصف (۱۳۵۲). *رستم التواریخ*. به اهتمام محمد مشیری. تهران: انتشارات امیرکبیر.

روشن ضمیر، مهدی (۱۳۵۰). "پژوهشی نو درباره روابط ایران با بیگانگان در سده دوازدهم هجری". *مجله بررسی‌های تاریخی*. شماره ۳۷. سال هفتم.

سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰). *تاریخ ایران*. ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: انتشارات نگاه.

شعبانی، رضا (۱۳۶۷). *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*. تهران: قدس.

وقابل اعتماد یافت نمی‌شد از شرکت‌های اروپایی یاری طلبید. حکومت‌های ایرانی به دلیل فقدان نیروی دریایی مقتدر و یکپارچه، در حل مسائل خلیج فارس، نیازمند همراهی و همکاری کشورهای اروپایی حاضر در منطقه، به‌ویژه بریتانیا، به عنوان نیرومندترین ناوگان دریایی در خلیج فارس بودند. به‌رغم اینکه میرمهنا برای هر دو شرکت هندشرقی هلند و انگلیس تهدید محسوب می‌شد و منافع مشترکی با کریم‌خان زند در سرکوبی میرمهنا داشتند؛ اما از آنجایی که تقویت حکومت مرکزی مغایر با منافع آنها بود، مصالحه با گروه‌های محلی را ارجح می‌دانستند و حاضر به همکاری خان زند نشده، تلاش نمودند که به میرمهنا نزدیک شوند. کریم‌خان برای رونق اوضاع اقتصادی کشور و تحکیم پایه‌های قدرت خویش نیازمند برقراری صلح و ثبات در سواحل و بنادر خلیج فارس بود؛ اما میرمهنا با راهزنی و دزدی دریایی امنیت خلیج فارس را به خطر می‌انداخت به نحوی که کمپانی‌های خارجی ترجیح دادند این منطقه را ترک کرده و مکان امن‌تری را جهت تجارت انتخاب نمایند. این مسئله تا آنجا برای کریم‌خان مهم بود که حاضرشد در ازای سرکوبی میرمهنا، امتیازات خاص از جمله بندرخارک را واگذار کند. اما انگلیس با اجرای سیاست‌های دوگانه از سرکوبی میرمهنا طفره رفت و حتی با استفاده از میرمهنا به خواسته خود برسد. به عبارتی موقعیت خاص و استراتژیک منطقه خلیج فارس موجب شد تا انگلیس با کمک به میرمهنا قدرت بلامنازع خلیج فارس گردد.

منابع

ابراهیمی، مهدی؛ احمد موسوی (۱۳۸۹). "فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان با انگلستان". *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال یازدهم، شماره ۴۴.

اسدپور، حمید (۱۳۸۷). *تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه*. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*. به کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). *هلندیان در جزیره خارک*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس.
- کشمیری، محمد (۱۳۵۰). "تصرف بصره به دست ایرانیان در زمان شهریاری زند". *بررسی‌های تاریخی* شماره ۳۲.
- گزارش کار ملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه (۱۳۸۱). ترجمه معصومه ارباب. تهران: انتشارات نشرنی.
- متولی، عبدالله (۱۳۸۹). "عوامل مؤثر بر مناسبات ایران و عثمانی در دوره زندیه". *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*. سال یازدهم. شماره ۴۲.
- موسوی نامی اصفهانی، میرزاصادق (۱۳۱۷). *تاریخ گیتی گشا*. به تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابفروشی اقبال.
- نیبور کارستن (۱۳۵۴). *سفرنامه نیبور*. ترجمه پرویز رجیبی. تهران: نشر توکا.
- ودیعی، کاظم (۱۳۹۰). "نگاهی دیگر به بحرین". *مجله حافظ*. شماره ۸۲.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۸). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند*. تهران: انتشارات معین.
- هدایتی، هادی (۱۳۳۴). *تاریخ زندیه*. جلد اول. تهران: دانشگاه تهران.